پرسش ها و پاسخ ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ نشانه‌های ظهور مهدی و فتنه‌های آخر الزّمان

بسم الله الرحمن الرحیم

پرسش

نویسنده: رضا راضی

درباره‌ی علائم ظهور امام مهدی، آیا نشانه‌های حتمی مربوط به ظهور است یا خروج؟ این‌ها می‌گویند ظهور بغته یعنی به یک‌باره است. عقل بنده قبول نمی‌کند که امام مهدی یک‌باره به اصطلاح از آسمان نازل شود، بدون اینکه قبلش با اشخاصی ارتباط داشته باشد و یک بستر حداقلی برای ظهورش شکل گرفته باشد. پر واضح است که در آن صورت قطعاً به دست حکام جور کشته خواهد شد، آن هم در کنار کعبه که دست آل سعود است. مگر اینکه بگوییم بغته برای عوام مردم است و برای خواص ظهور قبل از این محقق شده است. در ضمن برخی می‌گویند این علائم حتمی، علائم خروج است نه ظهور. این موضوع را هم برایم تشریح بفرمایید تا مطلب برایم جا بیفتد.

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۶/۳/۲۵

لطفاً به نکات زیر توجّه فرمایید:

۱ . برای ظهور امام مهدی علیه السّلام نشانه‌های فراوانی روایت شده است، ولی تنها نشانه‌ای حتمی محسوب می‌شود که به صورت متواتر روایت شده باشد؛ چراکه آن وعده‌ی خداوند و پیامبرش محسوب می‌شود و تحقّق وعده‌ی خداوند و پیامبرش حتمی است؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَعْدَ اللَّهِ ۖ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ﴾[1]؛ «وعده‌ی خداوند است، خداوند وعده‌اش را خلاف نمی‌کند»، نه نشانه‌ای که در روایتی واحد حتمی شمرده شده باشد؛ زیرا روایت واحد خودش حتمی نیست تا چیزی که آن را حتمی شمرده است حتمی باشد!

۲ . حتمی‌ترین نشانه‌ی ظهور امام مهدی علیه السّلام، ظهور مردی از خراسان بزرگ با پرچم‌های سیاه است که به سوی آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم فرا می‌خواند و برای حکومت امام مهدی علیه السلام زمینه‌سازی می‌کند و پرچم را با مسالمت یا غلبه از دیگران می‌گیرد و به او می‌رساند وشتافتن به سویش اگرچه چهار دست وپا بر روی برف واجب است؛ زیرا روایتی که از آن خبر داده، متواتر است

---

۱ . الرّوم/ ۶

و قدیمی‌ترین، مشهورترین و صحیح‌ترین روایت رسیده از رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم، صحابه و اهل بیت در باب ملاحم محسوب می‌شود، تا جایی که الهام‌بخش قیام‌هایی در تاریخ اسلام مانند قیام عبد الرّحمن بن أشعث بر ضدّ عبد الملک بن مروان[۱] و قیام حارث بن سریج بر ضدّ نصر بن سیار[۲] و قیام ابو مسلم خراسانی بر ضدّ امویان[۳] بوده و از دیرباز در کتب همه‌ی مذاهب اسلامی انعکاس یافته است؛ چنانکه به عنوان نمونه، از میان اهل سنّت کسانی چون ابن حمّاد (د.۲۲۸ق) در کتاب الفتن[۴]، ابن ابی شیبة (د.۲۳۵ق) در المصنّف[۵]، احمد بن حنبل (د.۲۴۱ق) در المسند[۶]، ابن ماجه (د.۲۷۳ق) در سنن[۷]، ابو داوود (د.۲۷۵ق) در سنن[۸]، احمد بن عمرو بزار (د.۲۹۲ق) در المسند[۹]، ابو سعید شاشی (د.۳۳۵ق) در المسند[۱۰]، طبرانی (د.۳۶۰ق) در المعجم الأوسط[۱۱] و المعجم الکبیر[۱۲]، ابن عدی (د.۳۶۵ق) در الکامل[۱۳]، حاکم نیشابوری (د.۴۰۵ق) در المستدرک علی الصّحیحین[۱۴]، بیهقی (د.۴۵۸ق) در دلائل النبوّة[۱۵]، خطیب بغدادی (د.۴۶۳ق) در الرحلة فی طلب الحدیث[۱۶]، ابن کثیر (د.۷۷۴ق) در البدایة والنهایة[۱۷]، هیثمی (د.۸۰۷ق) در مجمع الزوائد[۱۸] و از میان شیعه، کسانی چون محمّد بن سلیمان کوفی (د.بعد۳۲۰ق) در مناقب امیر المؤمنین[۱۹]، محمّد بن ابراهیم نعمانی (د.۳۶۰ق) در الغیبة[۲۰]، قاضی نعمان مغربی (د.۳۶۳ق) در شرح الأخبار[۲۱]، محمّد بن جریر طبری (د.بعد۴۱۱ق) در دلائل الإمامة[۲۲]، ابن طاووس (د.۶۶۴ق) در الملاحم والفتن[۲۳] و ابن ابی حاتم عاملی (د.۶۶۴ق) در الدرّ النظیم[۲۴]، آن را با اسناد متعدّد از رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم روایت کرده‌اند

---

۱ . الفتوح لابن أعثم، ج۷، ص۸۵
۲ . تاریخ الطبري، ج۶، ص۳
۳ . سیر أعلام النبلاء للذهبي، ج۵، ص۳۷۹
۴ . الفتن لابن حماد، ص۱۸۸
۵ . مصنف ابن أبي شیبة، ج۸، ص۶۹۷
۶ . مسند أحمد، ج۵، ص۲۷۷
۷ . سنن ابن ماجه، ج۲، ص۱۳۶۶
۸ . سنن أبي داود، ج۲، ص۳۱۱
۹ . مسند البزار، ج۴، ص۳۱۰
۱۰ . المسند للشاشي، ج۱، ص۳۴۷
۱۱ . المعجم الأوسط للطبراني، ج۶، ص۲۹
۱۲ . المعجم الکبیر للطبراني، ج۱۰، ص۸۸
۱۳ . الکامل لابن عدي، ج۴، ص۲۲۸
۱۴ . المستدرك علی الصحیحین للحاکم، ج۴، ص۴۶۴
۱۵ . دلائل النبوة للبیهقي، ج۶، ص۵۱۶
۱۶ . الرحلة في طلب الحدیث للخطیب البغدادي، ص۱۴۵
۱۷ . البدایة والنهایة لابن کثیر، ج۶، ص۲۷۵
۱۸ . مجمع الزوائد ومنبع الفوائد للهیثمي، ج۷، ص۳۱۶
۱۹ . مناقب أمیر المؤمنین لمحمّد بن سلیمان الکوفي، ج۲، ص۱۱۰
۲۰ . الغیبة للنعماني، ص۲۸۱
۲۱ . شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار لابن حیّون، ج۳، ص۴۰۱
۲۲ . دلائل الإمامة للطبري الصغیر، ص۴۴۲ و ۴۴۶
۲۳ . الملاحم والفتن للسیّد بن طاووس، ص۱۱۹
۲۴ . الدر النظیم لابن أبي حاتم، ص۷۹۸، ۷۹۹ و ۸۰۰

و راویانش از رجال مشهور و نیکنام در میان آنان بوده‌اند؛ مانند معاویة بن هشام قصّار ابو الحسن کوفی درگذشته‌ی ۲۰۴ یا ۲۰۵ قمری که از رجال صحاح ستّه غیر از بخاری است و علی بن صالح أبو محمّد همدانی کوفی درگذشته‌ی ۱۵۱ یا ۱۵۴ قمری که از رجال صحاح است و گروهی او را ثقه شمرده‌اند و گروهی دیگر حدیثش را صحیح دانسته‌اند و یزید بن أبی زیاد قرشی أبو عبد الله کوفی درگذشته‌ی ۱۳۶ یا ۱۳۷ قمری که محمّد بن فضیل او را از «پیشوایان بزرگ شیعه» و بخاری و مسلم او را صدوق و یعقوب بن سفیان او را عادل و ثقه شمرده‌اند و ابراهیم بن یزید نخعی کوفی درگذشته‌ی ۹۶ قمری که وثاقتش مورد اتّفاق است و فقیهی بزرگ از رجال صحاح ستّه شمرده می‌شود و علقمة بن قیس نخعی درگذشته‌ی ۶۲ قمری که تابعی و از رجال صحاح ستّه است؛ بلکه این حدیث بدون شک متواتر محسوب می‌شود؛ چراکه در هر طبقه، جماعتی از راویان به ترتیبی که در جدول زیر نمایش داده شده است، آن را روایت کرده‌اند:

طبقه	راویان
یکم	عبد الله بن مسعود، عبد الله بن عباس، ثوبان، ذو مخمر، علی بن ابی طالب
دوم	علقمة بن قیس، اسود بن یزید، عبیدة السلمانی، ابو عبیدة بن عبد الله، تمیم بن حذلم، سعید بن المسیّب، حسین بن علی، محمّد بن حنفیّة، محمّد بن عبد المطّلب، زید بن الحسن، عامر بن واثلة، ابو اسماء رحبی، عبد الواحد
سوم	ابراهیم نخعی، حسن بصری، علی بن الحسین، زید بن رفیع، جابر بن یزید، عبد الرحمن بن قیس، محمّد بن علی بن عبد الله، ابو قلابة، زهری
چهارم	یزید بن ابی زیاد، حکم بن عتیبة، عمارة بن قعقاع، شریک بن عبد الله، علی بن زید، معمر بن راشد، علاء بن عتبة، اسرائیل بن عبّاد، عمرو بن قیس ملائی، محمّد بن علی بن حسین، محمّد بن ابی سمینة، حمزه نصیبی، خالد حذاء
پنجم	علی بن صالح، صبّاح بن یحیی مزنی، محمّد بن فضیل، عبد الله بن ادریس، جریر بن عبد الحمید، خالد بن عبد الله، فطر بن خلیفة، مندل بن علی، عمرو بن قاسم بن حبیب، خلف، محمّد بن عبد الرّحمن بن ابی لیلی، مغیرة بن مقسم، یحیی بن یعلی اسلمی، عبد الرزاق بن همّام، عبد الله بن مروان، عبد الله بن لهیعة، سمرة بن حجر، حمّاد بن مؤمّل، حنّان بن سدیر، ابراهیم بن هراسة، عبد الوهاب بن عطاء، عبد العزیز بن مختار، جعفر بن محمّد، سفیان ثوری

این‌ها کسانی هستند که حدیث را با الفاظی واحد یا متقارب روایت کرده‌اند و با این وصف، تردیدی نیست که این حدیث «متواتر لفظی» محسوب می‌شود و آن بالاترین حدّ تواتر است؛ فارغ از اینکه مضمونش به صورت کلّی توسّط کسانی مانند عباس بن عبد المطّلب، عمار بن یاسر، حذیفة بن یمان، عبد الله بن عمرو، عبد الله بن عمر، معاذ بن جبل، عمرو بن مرّة جهنی، عبد الله بن حارث بن جزء زبیدی و ابو هریره از رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم و توسط کسانی مانند ابو رومان، حارث همدانی، مقاتل بن حیّان، هلال بن عمرو، اصبغ بن نباتة و سجّة بن عبد الله از علی علیه السلام و توسط کسانی مانند داود دجاجی، ابو خالد کابلی، ابو بکر حضرمی و معروف بن خرّبوذ از ابو جعفر باقر علیه السلام و توسط کسانی مانند ابو بصیر، فضیل بن یسار، عبد الحمید بن ابی العلاء و عبّاد بن محمّد مدائنی از ابو عبد الله صادق علیه السلام روایت شده و با این وصف، «تواتر معنوی» آن واضح است و از این رو، می‌توان آن را از رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت آن حضرت ثابت دانست؛ بل حق آن است که انصافاً هیچ روایت دیگری در این باب از چنین قدمت، شهرت، طرق و تأثیرات تاریخی برخوردار نیست[1].

۳ . صرف نظر از اینکه نشانه‌های مذکور در روایات مختلف، برای ظهور امام مهدی علیه السلام یا خروج اوست، زمینه‌سازی برای ظهور و خروج او عقلاً و شرعاً ضرورت دارد و با این وصف، ناگزیر پیش از ظهور او آغاز می‌شود و تا خروج او ادامه می‌یابد. این به معنای آن است که ظهور پرچم‌های سیاه خراسانی به عنوان زمینه‌ساز موعود و حتمی ظهور و خروج امام مهدی علیه السلام، نمی‌تواند بعد از ظهور او واقع شود؛ چراکه وقوع آن بعد از ظهور او تحصیل حاصل است. آری، در برخی روایات از همراهی امام مهدی علیه السلام با پرچم‌های سیاه خراسانی خبر داده شده است که می‌تواند به معنای ظهور او برای خراسانی و همه یا برخی یارانش پیش از خروج باشد؛ زیرا ناگزیر ظهور امام مهدی علیه السلام پیش از خروج واقع می‌شود و آن می‌تواند محدود به ارتباط با زمینه‌سازان ظهورش در خراسان به منظور هدایت آنان باشد که از ظاهر برخی روایات برداشت می‌شود[2].

۴ . حوادث دیگری که از وقوع آن‌ها پیش از خروج امام مهدی علیه السلام خبر داده شده است به زمینه‌سازی برای ظهور و خروج او ارتباط پیدا نمی‌کنند و از این رو، هرگاه صحیح باشند می‌توانند از نشانه‌های ظهور یا خروج او باشند؛ مانند ظهور مردی سفیانی در شام که بر رقبای خود در منطقه چیره می‌شود و بر چندین شهر تسلّط می‌یابد و به جنایات فراوانی

---

۱ . برای آگاهی بیشتر در این باره، رجوع کنید به: کتاب «الدّرّ المنضود في طرق حديث الرايات السّود؛ من أمالي السيّد العلامة المنصور الهاشميّ الخراسانيّ أيّده اللّه تعالى».
۲ . بنگرید به: پرسش و پاسخ ۱۵.

خصوصاً بر ضدّ دوستداران اهل بیت دست می‌زند و در نهایت همّی جز مقابله با دعوت منصور خراسانی به سوی امام مهدی علیه السّلام، بلکه یافتن و از بین بردن آن دو ندارد؛ با توجّه به اینکه روایات رسیده درباره‌ی آن «متواتر معنوی» هستند و از این رو، می‌توان آن را نشانه‌ی حتمی دیگری برای ظهور یا خروج امام مهدی علیه السلام دانست؛ چنانکه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی آن را «أَكْبَرَ فِتْنَةٍ قَدْ بَقِيَتْ»؛ «بزرگ‌ترین فتنه‌ای که باقی مانده» دانسته و فرموده است: «لَا تَأْتِي فِتْنَةٌ إِلَّا وَهِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا، وَإِنَّ أَكْبَرَ فِتْنَةٍ قَدْ بَقِيَتْ فِتْنَةُ السُّفْيَانِيِّ، فَإِنَّهُ يَنْزِعُ جُلُودَ الرِّجَالِ وَيَبْقُرُ بُطُونَ النِّسَاءِ»[1]؛ «هیچ فتنه‌ای نمی‌آید مگر اینکه از فتنه‌ی پیش از خود بزرگ‌تر است و همانا بزرگ‌ترین فتنه‌ای که باقی مانده، فتنه‌ی سفیانی است؛ چراکه او پوست مردان را می‌کَند و شکم زنان را می‌درد»؛ همچنانکه با نظر به اجتماع یاران او در شام و اجتماع یاران امام مهدی علیه السلام در خراسان فرموده است: «لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى يَنْزِلَ الْمَلَائِكَةُ، وَلَا يَنْزِلُونَ حَتَّى يَجْتَمِعَ الْمُؤْمِنُونَ بِخُرَاسَانَ وَالْمُنَافِقُونَ بِالشَّامِ»[2]؛ «مهدی خروج نمی‌کند تا آن گاه که فرشتگان فرود آیند و آن‌ها فرود نمی‌آیند تا آن گاه که مؤمنان در خراسان و منافقان در شام گرد آیند».

خداوند ما را از مؤمنانی قرار دهد که برای تشکیل خلافت امام مهدی علیه السلام در خراسان گرد می‌آیند، در حالی که منافقان مانند مور و ملخ مشغول گرد آمدن در شام برای تشکیل خلافتی اموی هستند.

تعلیقات
پرسش‌ها و پاسخ‌های فرعی

پرسش فرعی ۱ | **نویسنده: محمود**

چرا با وجود آنکه حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی مدعی آن نیست که همان خراسانی موعود است، در پایگاه و معارف ایشان به روایات مربوط به قیام خراسانی احتجاج می‌شود؟

پاسخ به پرسش فرعی ۱ | **تاریخ: ۱۳۹۸/۵/۱۶**

علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی ادّعا نمی‌کند که خراسانی موعود است[3]، ولی «عدم ادّعا» به معنای «ادّعای عدم» نیست. بنابراین، ممکن است که او خراسانی موعود باشد؛

۱. گفتار ۱۵، فقره‌ی ۱
۲. گفتار ۱۵۸، فقره‌ی ۴
۳. بنگرید به: گفتار ۱۰.

چنانکه دلایل و شواهدی در این باره وجود دارد[1]. قدر مسلّم این است که تشخیص موضوع بر عهده‌ی مردم است و آنان این کار را با توجّه به روایات انجام می‌دهند. از این رو، ذکر روایات معتبر و متواتر برای آنان مفید است. وانگهی برخی از مردم می‌پندارند که پیوستن به این عالم بزرگوار، حتّی اگر خراسانی موعود باشد، واجب نیست؛ چراکه به زعم آنان روایتی در این باره نرسیده است. طبعاً ذکر روایات معتبر و متواتر در این باره به آنان کمک می‌کند تا از جهل و اشتباه بیرون آیند. بنابراین، ذکر روایات معتبر و متواتر در این باره لازم است.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی
بخش پاسخگویی به پرسش‌ها

برای خواندن
مهم‌ترین مطالب پایگاه
کلیک کنید.

۱ . به عنوان نمونه، بنگرید به: نقد و بررسی ۳۴.